



وقف در ادیان مختلف

رومیان

نقل شده است که رومیان با نظام مؤسسات کنیسه و مؤسسات خیریه آشنا بودند. این مؤسسات، به اداره فقیران و ناتوانان می پرداخت. اموالی به این مؤسسه ها اختصاص می یافت تا به مصرف فقیران و ناتوانان برسد. رومیان معتقد بودند اشیای مقدس، معابد، نذر ها، هدایا و... به خدا اختصاص می یابد.

آلمانی ها

در حقوق آلمان، مواد ۸۰ تا ۸۹ قانون مدنی پذیرفته شده که ممکن است مجموعه ای از اموال به دلیل اختصاص یافتن به هدف معینی، مستقل شود و زندگی حقوقی ویژه خود را آغاز کند. مفهوم وقف در حقوق آلمان و ایران بسیار به هم نزدیک است؛ چرا که هر دو، تکیه بر اصالت اموال است و این اموال به هیچ شخصی تعلق ندارد؛ با این تفاوت که در حقوق ایران، مال موقوف، حبس می شود و متولی حق انتقال آن را به دیگری ندارد، ولی در حقوق آلمان، امکان گسترش دیده می شود.

فرانسوی ها

در فرانسه، نوعی از تصرفات مالی وجود دارد که شبیه وقف است. قانون اجازه می دهد که پدر، مالی را به فرزندش ببخشد یا به نفع او وصیت کند که خود در حال زندگی اش از آن بهره مند شود و بعد از مرگش به اولاد یا برادرش انتقال یابد. نوع دیگر وقف در این کشور، اختصاص دادن مالی معین برای همیشه به عمل خیر است.

یا حسین بن علی علیه السلام

مجلسی اجتماع نمودند، امام حسن علیه السلام نیز حاضر شد. مروان برخاست و پس از حمد و ثنا چنین گفت:

امیرمومنان معاویه، به من فرمان داده تا زینب دختر عبدالله بن جعفر را برای یزید بن معاویه خواستگاری کنم به این ترتیب که:
۱. هر قدر پدرش خواست مهریه تعیین کند، می پذیرم.
۲. هر مبلغی که پدرش بدهکار باشد، بدهی هایش را ادا می کنیم.
۳. این وصلت موجب صلح بین دو طائفه بنی امیه و بنی هاشم خواهد شد.
۴. یزید بن معاویه همتایی است که نظیر ندارد، به جانم سوگند حسرت و افتخار شما به یزید، بیشتر از حسرت و افتخار یزید به شما است.
۵. یزید کسی است که به برکت چهره او از ابرها طلب باران می شود.
آن گاه سکوت کرده و در کناری نشست. در این هنگام امام حسن علیه السلام لب به سخن گشوده و بعد از حمد و ستایش پروردگار فرمود:

۱. اما در مورد مهریه، ما از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد مهریه دختران و بستگان خویش تجاوز نمی کنیم.
۲. در مورد قرض های پدرش، چه موقع زن های ما قرض های پدرانشان را پرداخته اند که این هم یکی از آن ها باشد.
۳. در مورد صلح دو طایفه، دشمنی ما با شما برای خداست و در راه اوست. بنابراین برای دنیا با شما صلح نمی کنیم؛ فانا عادینا کم لله و فی الله فلا تصالحکم لل دنیا.
۴. در مورد اینکه افتخار ما به وجود یزید، بیشتر از افتخار یزید به ما است، اگر مقام خلافت بالاتر از مقام نبوت است، ما باید بر یزید افتخار کنیم ولی اگر مقام نبوت بالاتر از مقام خلافت است، او باید به وجود ما افتخار کند.
۵. اما اینکه گفتمی به برکت چهره یزید، از ابرها باران طلبیده می شود، چنین چیزی درست نیست مگر در مورد محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله.

حضرت در ادامه افزود: نظر ما این شده است که دختر عبدالله را به ازدواج پسر عمویش قاسم بن محمد بن جعفر درآوریم، و من هم اکنون او را همسر قاسم قرار دادم و مهریه اش را زمین مزروعی خود که در مدینه دارم تعیین نمودم و همان زمین زراعتی زندگی آن ها را نیز تامین می کند و دیگر نیازی به دیگران نیست. مروان مایوس شده و ماجرا را برای معاویه نوشت، معاویه گفت: ما از آن ها خواستگاری

یا حسین بن علی علیه السلام

کردیم. جواب منفی به ما دادند، اما اگر آن ها از ما خواستگاری کنند، جواب مثبت خواهیم داد!

نیزه خون آلود حسن!

در درگیری جنگ جمل، امام علی (ع) فرزندش محمد حنفیه را طلبید، و نیزه خود را به او داد و فرمود: با این نیزه به سپاه دشمن حمله کن.
محمد حنفیه نیزه را گرفت و به دشمن حمله کرد، گردانی از طایفه بنی ضبه جلو او را گرفتند، او عقب نشینی کرد، و به حضور پدر آمد در آن هنگام امام حسن (ع) نیزه را از دست او گرفت، و به سوی دشمن رفت و حمله کرد و پس از مدتی در حالی که نیزه اش خون آلود بود، نزد پدر بازگشت وقتی که محمد حنفیه، آن شجاعت را از امام حسن (ع) دید بر اثر احساس شکست سرخ و سرافکننده شد.
امیرمؤمنان علی (ع) به او فرمود:

لاتأفف فانه ابن النبی و انت ابن علی:

ناراحت نباش چرا که او فرزند نبی است و تو فرزند علی!

کرسی معرفت

سیاست چیست؟

کسی از حضرت امام حسن علیه السلام درباره سیاست پرسید، حضرت علیه السلام فرمود:

سیاست، رعایت حقوق خداوند و زندگان و حقوق مردگان است: اما حقوق خدا عبارت است از: انجام دادن آنچه امر فرموده و اجتناب از آنچه نهی نموده است؛ حقوق زندگان عبارت است از: ایفای وظیفه در قبال برادران دینی و درنگ نکردن در خدمت به همکیشان و اخلاص نسبت به ولی امر، مادامی که او نسبت به مردم اخلاص دارد و آن گاه که از راه راست منحرف شود، فریادت را در برابرش بلند کنی؛ اما حقوق مردگان عبارت است از: ذکر خوبی های ایشان و خودداری از بیان گناه و لغزش های آنان، زیرا آنان را خدایی است که به اعمال آنان رسیدگی خواهد کرد.

ترنم باران

توکل حقیقی بر خداوند

هر که بر نیکویی اختیار خداوند توکل نماید، هرگز آرزو نمی کند که درحالتی غیر از آنچه خداوند برای او اختیار کرده، قرار داشته باشد.

یا حسین بن علی علیه السلام

در معنی جوانمردی

جوانمردی یعنی حفظ دین، و عزت نفس، و مهربان بودن و انجام درست امور، و اداء حقوق.

خشنودی به قضای الهی

چگونه مؤمن مؤمن است، در حالیکه به قسمت الهی ناخشنود، می باشد، و ارزش را پست می شمرد، با اینکه خداوند، بر او حکم می راند و من ضامن هستم هر که در قلبش جز خشنودی از قسمت الهی را نگذراند، دعاهايش را خداوند اجابت کند.

عبادت و قناعت

ای پسر آدم، از محرمات الهی، پرهیز کن، تا عابد گردی، و به آن چه خداوند داده است، راضی باش تا بی نیاز شوی، با همسایگان به نیکی رفتار کن تا مسلمان باشی.

کریم تر باش!

آنگاه ارزش بخشش یک شخص کریم از بخشش دیگران بیشتر است که معذرت خواهی برای گناهکار سخت و دشوار باشد.

ذهن باز

فرمود: هر که با علماء بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد شد، و ذهن و اندیشه اش باز و توسعه می یابد و بر معلوماتش افزوده می گردد و به سادگی می تواند دیگران را هدایت نماید.

ثبت علم

فرمود: علم و دانش را - از هر طریقی - فرا گیرید، و چنانچه نتوانستید آنرا در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منازل خود - در جای مطمئن - قرار دهید.

عاقبت دو شناخت

فرمود: هر کس خدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد.

فاصله حق و باطل

فرمود: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه که را با چشم خود ببینی حق است؛ و آنچه را شنیدی یا آن که برایت نقل کنند چه بسا باطل باشد.

یا حسین بن علی علیه السلام

یا حسین بن علی علیه السلام

یا کریم اهل بیت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

لو كان العقل رجلا لكان الحسین؛

اگر قرار بود عقل به صورت انسانی مجسم شود، همانابه صورت حسن جلوه می کند.

سازمان اوقاف امور زیر مدیریت

معاونت زکات

شاخص:

اگر امام حسن(ع) می جنگید و شهید می شد ،

خونش به هدر می‌رفت

امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌دانست که اگر با همان عده‌ی معدود اصحاب و یاران خود با معاویه بجنگد و به شهادت برسد، انحطاط اخلاقی زیادی که بر خواص جامعه‌ی اسلامی حاکم بود، نخواهد گذاشت که دنبال خون او را بگیرند! تبلیغات، پول و زرنگیهای معاویه، همه را تصرف خواهد کرد و بعد از گذشت یکی دو سال، مردم خواهند گفت ”امام حسن علیه‌السلام بیهوده در مقابل معاویه قد علم کرد.“ لذا، با همه‌ی سختیها ساخت و خود را به میدان شهادت نینداخت؛ زیرا می‌دانست خونش هدر خواهد شد.

گاهی شهید شدن آسان‌تر از زنده ماندن است! حقا که چنین است! این نکته را اهل معنا و حکمت و دقت، خوب درک می‌کنند. گاهی زنده ماندن و زیستن و تلاش کردن در یک محیط، به مراتب مشکلتر از کشته شدن و شهید شدن و به لقای خدا پیوستن است.امام حسن علیه‌السلام این مشکل را انتخاب کرد.

کوچه آشنایی

کوتاه و مختصر با کریم اهل بیت

آن حضرت روز سه شنبه یا پنج شنبه ، پانزدهم ماه مبارک رمضان ، سال سوّم هجری در شهر مدینه منوّره دیده به جهان گشود.

نام : حسن؛ و در تورات (شَبْر) ودر انجیل (طاب) می باشد.

کنیه : ابو محمّد.

لقب : مجتبی ، طيّب ، سيّد، ولیّ، تقیّ، حَجّت ، سبط، قائم ، وزیر، امین و ...

نقش انگشتر: (الْعِزَّةُ لِلّهِ).

امام حسن مجتبی علیه السلام ۲۵ مرتبه پیاده برای انجام مراسم حجّ و زیارت خانه خدا، به مکه معظمه رفت .

و در طیّ دو مرحله ، حضرت تمامی ثروت و اموال خود را بین فقراء و تهی‌دستان تقسیم نمود.

مَدّت امامت : اوّلین روز امامت آن حضرت ، مصادف با

جمعه ۲۱ ماه مبارک رمضان ، سال چهارم هجری بوده

است ؛ که مردم با آن بزرگوار بیعت کردند و حدود ۱۰ سال امامتش به طول انجامید.

طبق آنچه که مورّخین و محدّثین گفته اند: حدود شش ماه و اندی پس از امامت آن بزرگوار، بین حضرت و معاویه صلح نامه ای به نفع اسلام و مسلمین امضاء گردید.آن حضرت حدود هشت سال در حیات جدّ گرامیش ، و حدود هشت سال و اندی هم زمان با مادر ارجمندش و ، ۳۷ سال نیز در کنار پدر بزرگوارش زندگی نمود، و سپس قریب ۱۰ سال امامت و رهبریّت اسلام و مسلمان ها را بر عهده داشت ؛ و در مجموع مدت عمر پربرکت آن امام مظلوم را، بین ۴۷ تا ۵۰ سال گفته اند.

شهادت : حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه ، توسط همسرش –جُعدّه دختر اشعث بن قیس کندی – به دستور معاویه مسموم گردید.

و چهل روز پس از آن – یعنی ؛ روز پنج شنبه ، ۲۸ ماه صفر؛ ما بین سال ۵۰ تا ۵۳ هجری – به فیض شهادت نایل گشت .

امام حسن مجتبی علیه السلام در آخرین لحظات عمر گران مایه خویش به برادرش ، امام حسین علیه السلام اظهار داشت : مبدا در تشییع و تدفین جنازه ام خونی بر زمین ریخته شود.

امام مظلوم را کنار جدّ بزرگوارش ، رسول خدا صلی الله علیه و آله دفن کنند، عَدّه ای ، مسلّحانه هجوم آوردند و از ورود جنازه مطهر به محوّطه حرم حضرت رسول صلی الله علیه و آله جلوگیری نموده ؛ و آن گاه جنازه و تشییع کنندگان را تیرباران کردند. بر اساس وصیّتی که حضرت فرموده بود: خونی در تشییع جنازه ام ریخته نشود، به ناچار پیکر مقدّس آن امام مظلوم را که چندین تیر به آن اصابت کرده بود – به سمت قبرستان بقیع حرکت داده و در آنجا دفن نمودند.

نماز حضرت : دو رکعت است ، در هر رکعت پس از قرائت سوره حمد، بیست و پنج مرتبه سوره توحید خوانده می شود.و بعد از سلام نماز، تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام گفته می شود؛ و پس از آن ، خواستیه ها و حوایج مشروعه خود را از درگاه خداوند متعال در خواست نماید که ان شاء الله برآورده خواهد شد.

سلوک باران

نامگذاری آسمانی

هنگامی که امام حسن (ع) چشم به جهان گشود، فاطمه

(س) به علی (ع) گفت : (نام این نوزاد را معین کن)

علی (ع) فرمود: من در نامگذاری او، از پروردگارم پیشی نمی گیرم ، خداوند به جبرئیل وحی کرد: (پسری برای محمد (ص) متولد شده نزد او برو و به او تبریک بگو، سپس بگو: نسبت علی (ع) به تو مانند نسبت هارون به موسی (ع) است ، نام این نوزاد را همان نام بگذارید که نام پسر هارون (برادر موسی) است .)

جبرئیل به حضور پیامبر آمد و تبریک گفت ، و سپس عرض کرد: خداوند امر کرد که این نوزاد را همنام پسر هارون برادر موسی ، کنید. پیامبر (ص) فرمود: (او چه نام داشت ؟)

جبرئیل گفت : نام او (شبر) بود.

پیامبر (ص) فرمود: زبان من عربی است .

جبرئیل گفت : او را حسن ، نامگذاری کن ، پیامبر (ص) نام آن نوزاد را حسن خواند.

بخاطر یک شاخه گل

کنیزی از کنیزهای امام حسن (ع) روزی یک شاخه گل نزد امام حسن (ع) آورد و به آن حضرت هدیه کرد، امام حسن (ع) در مقابل آن هدیه او را آزاد نمود.

بعضی از حاضران گفتند: (به خاطر یک شاخه گل ، او را آزاد ساختی ؟)

امام حسن (ع) فرمود: خداوند این ادب را به ما آموخته است ، آنجا که (در آیه ۸۶ سوره نساء) می فرماید:

واذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها

(وهنگامی که کسی به شما تحیحت می گوید (احترام کند) پاسخ او را بهتر گوئید) در این مورد تحیت بهتر، همان آزاد کردن اوست

صبور تر از کوه

بعد از شهادت امام حسن علیه السلام یکی از دشمنان آن حضرت را دیدند، که در تشییع جنازه حضرتش گریه می کند، امام حسین علیه السلام به عنوان اعتراض به او گفت : تو در هنگام حیات برادرم آنچه در توان داشتی او را اذیت کردی ، الان آمده ای و گریه می کنی ؟!

فقال : انی كنت افعـل ذلک الی احـلم من هذا و اشار بیده الی الجلیل ؛ او گفت : من با کسی بدی می کردم که صبورتر و حلیم تر از این کوه ها بود.

رعشه در اندام حسن(ع)

امام حسن علیه السلام هرگاه وضو می ساخت ، بندهای

بندش می لرزید و رنگ مبارکش زرد می گشت ، علت این حالت را از حضرتش پرسیدند، آن جناب در پاسخ فرمود:

سزاوار است بر کسی که می خواهد نزد پروردگار عرش به بندگی بایستد، این که رنگش زرد گردد و رعشه در مفاصلش بیفتد.

و این چنین حالات بندگی و راز و نیاز عاشقانه در برابر پروردگار جهانیان را به نیایشگران حقیقی و عارفان شیفته حق می آموخت .

خداوند متکبران را دوست ندارد

امام حسن مجتبی علیه السلام روزی به گروهی از تهیدستان و مستضعفان برخورد کرد، آنان در روی زمین در کنار سفره ای نشسته و مشغول خوردن خرده های نان بودند. آن گاه که چشمشان به مرکب امام علیه السلام افتاد، به احترام او برخاستند و آن حضرت را به صرف نان فرا خواندند.

امام در حالی که لب های مبارک را حرکت می داد و می فرمود: خداوند متکبران را دوست ندارد. از مرکب خود پایین آمده و به همراه آنان به تناول غذای ساده مشغول گردید.

پس از صرف غذا، آن حضرت همه آن فقراء را به میهمانی در منزل خویش فرا خواند و ایشان را با اهدای خوراک و پوشاک نواخته و مورد مهر و محبت خویش قرار داد.

غلام یعنی این!

یکی از غلامان خدمتگزار حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام مرتکب جنایتی شد که سزاوار کیفر بود، حضرت دستور داد تا وی را تنبیه نمایند. غلام در آن لحظه پیشدستی کرد و خطاب به امام علیه السلام این آیه را قرائت نمود: و العافین عن الناس ؛ انسان های وارسته از خطای گنهکاران عفو می کنند، حضرت فرمود:

بخشیدم ، غلام ادامه داد: واللّه یحبّ المحسنین ؛ امام علیه السلام فرمود: تو را در راه خدا آزاد کردم .

مهربانی با حیوانات!

نحیح یکی از یاران امام مجتبی علیه السلامی می گوید: روزی حسن بن علی علیه السلام را دیدم که غذا تناول می نمود و سگی آن طرف تر با فاصله اندکی از امام علیه

السلام ایستاده بود؛ آن حضرت لقمه ای را میل می کرد

و لقمه ای هم به آن حیوان می داد. گفتیم : ای فرزند

پیامبر! آیا اجازه می دهید این سگ را دور کنم ؟

فرمود: نه ، او را آزاد بگذار، من از خداوند متعال خجالت می کشم که در حال غذا

خوردن موجود زنده ای به من نگاه کند و من چیزی به او نخورام .

حرمت نان و آزادی از آتش جهنم

روزی حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام از محلی عبور میکردند، تکه نانی را در آن جا مشاهده نمود، آن را از روی زمین برداشت ؛ و آن را خوب تمیز کرد و سپس تحویل غلام خود داد و فرمود: این نعمت الهی را نگهدار تا موقعی که برگشتم آن را به من بازگردان .

هنگامی که حضرت برگشتند، از غلام تکه نان را درخواست کرد؟

غلام اظهار داشت : آن را خوردم ، حضرت فرمود: تو در راه خدا آزاد شدی ، غلام سوال کرد: علّت آزادی من چیست ؟حضرت فرمودند:از مادرم فاطمه زهراء(علیها السلام)شنیدم ؛ و او از پدرش – رسول خدا صلی الله علیه و آله – حکایت فرمود: هرکس تکه نانی را در بین راه پیدا کند و آن را بردارد و تمیز نماید و بخورد، آن تکه نان ، در شکمش قرار نمی گیرد مگر آن که خداوند متعال او را از آتش جهنم آزاد می گرداند.

و سپس افزود: بطور من شخصی را که خداوند آزادش می نماید، خادم خود قرار دهم ، تو آزاد هستی!

شجاعت حسنیه

اختیار دختران ما با حسن بن علی (ع) است!

هنگامی که مروان ، حاکم مدینه ، مامور شد تا دختر عبدالله بن جعفر را برای یزید خواستگاری کند، وی با عبدالله تماس گرفته و موضوع را در میان گذاشت . عبدالله در پاسخ گفت : اختیار دختران و زنان ما با حسن بن علی علیه السلام است ، دخترم را از او خواستگاری کن . مروان به حضور امام حسن علیه السلام آمد و دختر عبدالله را خواستگاری نمود. امام حسن علیه السلام فرمود: هر کس را که در نظر داری دعوت کن ، تا اجتماع نمایند و من نظریم را بگویم .

مروان ، بزرگان دو طائفه بنی هاشم و بنی امیه را دعوت کرد و همه آن ها در یک

